

گردنه سخت از نظر قرآن کریم کجاست؟

احمد عدالتیان| در ادامه مرور سوره‌های قرآن کریم به سوره مبارک بلد(شهر) رسیدیم و آیات یک تا ۱۰ آن را باهم تلاوت کردیم. خداوند متعال در آیات ۱۱ تا ۱۶ این سوره می‌فرماید: «فَلَا اقْتَحَمَ الْعَقَبَةَ، وَمَا أَدْرَاكَ مَا الْعَقَبَةُ، فَكْ رَقَبَةَ، أَوُ انْظِعَامٌ فِي يَوْمٍ ذِي مَسْغَبَةٍ، يَتِيمًا ذَا مَقَرَّةٍ، أَوْ مِسْكِينًا ذَا مَتَرَةٍ. اما او[انسان] در آن گردنه سخت، قدم نگذاشت و چه می‌دانی که آن گردنه چیست؟ آزاد کردن برده یا غذا دادن در روز گرسنگی یا یتیمی خویشاوندی یا بینوایی خاک‌نشین.». خداوند در آیات قبل، یادآوری کرد که به انسان، مسیرهای سخت خیر و شر نشان داده شده است و در این آیات ادامه می‌دهد که گردنه سخت‌تری وجود دارد و انسان در آن قدم نمی‌گذارد. آن گردنه، نجات دیگران از فقر و اسارت است. دل‌کندن از مال به نفع فقرا، همچون عبور از گردنه هاست و راه بهشت از میان این گردنه‌های گذرد، اسلام بر مسائل مادی طبقه محروم و لزوم حل مشکلات آنان، تأکید بسیار کرده است و آزادسازی بردگان و فقیران از مشکلاتشان، در رأس کارهای خیر است. نکته مهم این آیات این است که هرکاری، اولویت‌های مخصوصی نیز دارد؛ اطعام ارزش دارد، ولی در زمان قحطی ارزش بیشتری دارد، یتیم‌نوازی بسیار عالی است، ولی یتیمی که از فامیل و نزدیکان باشد، اولویت بیشتری دارد و رسیدگی به فقرا مهم است؛ به خصوص آنان که از شدت فقر خاک‌نشین هستند. همچنین می‌توان برای این آیات، مصادیقی معنوی در نظر گرفت؛ آزاد کردن مردم از آتش دوزخ، با هدایت آن‌ها صورت می‌گیرد و اطعام روحی نیازمندان، از راه تعلیم و ارشاد میسر است.

مشاوره

قضاوت نه، پای حرف او بنشینیم!

علیرضا وکیلی| اگر دین یعنی این، من اصلا دین نمی‌خواهم! این جمله را شاید از زبان نوجوانی شنیده باشیم که از نماز، مسجد یا حتی اسم بعضی آدم‌های مذهبی، فراری شده است. وقتی بیشتر با او حرف می‌زنیم، می‌بینیم ماجرا همیشه یک شبهه اعتقادی نیست. شاید پدر یا مادری که خودش را مذهبی می‌دانسته، با او رفتار تند ی کرده، شاید فردی که از اخلاق و دین حرف می‌زده، در عمل دروغ گفته، تحقیر کرده یا حق کسی را خورده، شاید نوجوان در محیطی مذهبی با دورویی یا قضاوت رویه‌رو شده است. حالا ذهن او یک اشتباه انسانی را به حساب دین گذاشته است و می‌گوید: «پس دین، همین است.». نخستین کار ما در این موقعیت، دفاع فوری از آدم مذهبی نیست، شنیدن نوجوان است. اگر هنوز دردش را نگفته، با جمله‌هایی مثل «تو نمی‌فهمی»، «این حرف‌ها اثر فضای مجازی است» یا «فلانی آدم خوبی است»، فقط فاصله را بیشتر می‌کنیم. باید اجازه بدهیم بگوید چه دیده، چه شنیده و دقیقاً از چه چیزی آسیب دیده است. قرآن درباره شیوه دعوت می‌فرماید: «أَفْغِ إِلَیْ سَبِيلَ رَبِّكَ بِالْحُكْمِ وَالْمَوْعِظَةِ الْخَسَنَةِ، با حکمت و اندرز نیکو به راه پروردگارت، دعوت کن.» (نحل/۱۲۵) حکمت یعنی حتی زمان و شیوه حرف زدن را هم درست انتخاب کنیم. بعد باید یک تفکیک مهم را آرام آرام به نوجوان نشان دهیم؛ دین با عملکرد همه دین‌داران یکی نیست. اگر پزشکی اشتباه کند، ما علم پزشکی را کنار نمی‌گذاریم؛ خطای پزشک را بررسی می‌کنیم. در مسائل دینی هم باید بین «آنچه دین گفته است» و «آنچه یک انسان به نام دین انجام داده است، فاصله بگذاریم. البته نباید از آن طرف با هم بی‌یتیم و هر رفتاری را توجیه کنیم، اگر فرد مذهبی ظلم کرده، دروغ گفته یا تحقیر کرده است، باید صریح گفت؛ این رفتار غلط بوده است، حتی اگر صاحبش، خودش را مذهبی بداند. قرآن از کسانی که سخنشان با عملشان یکی نیست، به شدت انتقاد می‌کند: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا! لَوْ تَوَلَّوْا مَا لَا تَفْعَلُونَ كَبُرَ مَقْعًا لَّعَذَابُ الْآ نَ تَوَلَّوْا مَا لَا تَفْعَلُونَ». ای کسانی که ایمان آورده‌اید، چرا چیزی می‌گویید که انجام نمی‌دهید؟ نزد خدا بسیار ناپسند است که چیزی بگویید و انجام ندهید.» (صف/۳،۲) پس خود دین هم اجازه نمی‌دهد خطای دین‌داران را نادیده بگیریم.

حالا چه کار کنیم؟

اول؛ رابطه را حفظ کنیم، حتی اگر فعلا نماز نمی‌خواند یا نسبت به بعضی باورها موضع تند ی دارد. کاری نکنیم که احساس کند برای دوست داشته شدن باید شبیه ما فکر کند. **دوم**، درباره تجربه‌اش سؤال کنیم، نه اینکه فوراً جواب آماده بدهیم. **سوم**؛ اگر کسی به نام دین به او ظلم کرده است، از او عذرخواهی یا دست‌کم رفتار درست را مطالبه کنیم؛ دفاع کورکورانه از فرد خاطی، نوجوان را از دین دورتر می‌کند. **چهارم**، اجازه بدهیم با یک الگوی سالم و اخلاقی از دین روبه‌رو شود، گاهی رفتار آرام، صادقانه و بی‌تکلف یک انسان مؤمن، بیشتر از ده‌ها سخنرانی، تصویر نوجوان از دین را اصلاح می‌کند و مهم‌تر از همه، برای بازگشت نوجوان ناکندیم.

احکام

بررسی شرعی صندوق قرض الحسنه خانوادگی

سمانه رضوانی| یکی از راه‌های پس‌انداز یا دریافت وام، صندوق‌های قرض الحسنه خانوادگی، محلی و همکاری است که میان اعضای یک خانواده، ساکنان یک محله یا همکاران یک اداره برقرار می‌شود. در این صندوق‌ها، اعضا ماهانه مبلغ مشخصی را به صندوق پرداخت می‌کنند و سپس براساس قرعه، کل مبلغ جمع‌آوری شده به عنوان قرض به یکی از اعضا پرداخت می‌شود. این شیوه با نام «وام قرض الحسنه قرعه‌کشی» یا «صندوق دوره‌ای» شناخته می‌شود که سؤال‌های فقهی متعددی به همراه دارد. پرسش اصلی این است که آیا فعالیت چنین صندوق‌هایی از نظر شرعی اشکال دارد یا نه. در ادامه، نظر سه تن از مراجع عظام تقلید در این باره نقل می‌شود.

شهید آیت‌الله العظمی سید علی خامنه‌ای:

فعالیت صندوق‌های قرض الحسنه مذکور که عده‌ای به شخصی وکالت می‌دهند تا ماهانه مبلغی را از اعضا، دریافت کرده و به قید قرعه به یکی از آن‌ها پرداخت کند، اشکال ندارد. همچنین اگر متصدی صندوق که در انجام امور آن از طرف اعضا وکالت دارد، شرط کند نخستین نوبت دریافت، متعلق به او باشد، اشکال ندارد.

آیت‌الله العظمی سید علی سیستانی:

اشکال ندارد؛ مگر اینکه قرض‌های بقیه اعضا، مشروط به قرض دادن به آن‌ها باشد.

آیت‌الله العظمی سید موسی شبیری زنجانی:

مانعی ندارد، حتی اگر شرکت‌کننده شرط کند که به او وام بدهند.

نتیجه:

بر اساس آنچه از دیدگاه این سه مرجع تقلید برمی‌آید، اصل فعالیت صندوق‌های خانوادگی، محلی و همکاری با سازوکار پرداخت ماهانه اعضا و قرض دادن به یکی از آنان به قید قرعه، فی‌نفسه اشکالی ندارد. تفاوت اصلی در قید و شرط‌هایی است که ممکن است به این قرارداد افزوده شود. آیت‌الله العظمی سیستانی قرض بودن پرداخت‌ها را مشروط به قرض دادن به سایر اعضا نمی‌داند، مگر آنکه چنین شرطی به صراحت گذاشته شود. آیت‌الله العظمی شبیری زنجانی حتی شرط کردن وام برای خود شرکت‌کننده را نیز مجاز می‌داند. آیت‌الله العظمی شهید خامنه‌ای نیز شرط تعلق نوبت اول به متصدی صندوق را پذیرفته‌اند، بنابراین اگر اعضا از ابتدا از شرایط و مقررات صندوق آگاه باشند و توافق براساس رضایت طرفین باشد، این نوع صندوق‌ها از نظر شرعی قابل استفاده‌اند و اشکالی بر آن‌ها وارد نیست.

واکاوی جایگاه والای حضرت فاطمه معصومه(س) در تفت‌وگو با حجت‌الاسلام والمسلمین مهدی عدالتیان

کلید بهشت در دستان بانوی کرامت

گفت‌وگو

احمد عدالتیان |امام‌زاده در فرهنگ شیعه، معنای خاصی دارد و در گوشه و کنار ایران، بقاع متبرک و حرم‌های کوچک و بزرگی داریم که فرزندان اهل بیت پیامبر گرامی اسلام در آن مدفون هستند و مورد احترام و زیارت مردم قرار می‌گیرند. ما امام‌زاده‌ها را بین خود و خداوند واسطه قرار می‌دهیم تا خداوند به خاطر بزرگی این افراد، حاجت ما را بدهد. اما در میان همه امام‌زاده‌ها، حضرت معصومه(س) به عنوان «کریمه اهل بیت(ع)» شناخته شده‌اند و از همه با عظمت‌تر هستند و خوب است بدانیم که سبب این عظمت چیست. در سالروز وفات این بانوی بزرگ جهان تشیع با حجت‌الاسلام والمسلمین مهدی عدالتیان، استاد حوزه علمیه خراسان، درباره مقام ایشان گفت‌وگو کردیم.

برادر به خواهر، لقب معصومه می‌دهد

لقب معصومه یعنی منزّه از آلودگی‌ها را امام هشتم(ع) به ایشان داده‌اند و می‌دانیم که ائمه ما کاری را بدون سبب انجام نمی‌دهند و این‌طور نیست که صرفاً به خاطر اینکه حضرت معصومه(س) دختر امام یا خواهر ایشان هستند، این لقب را گرفته باشند. در مواردی داریم که معصومین به بستگان نزدیک خود، به خاطر خطای آن‌ها تذکر داده‌اند و از آن طرف افرادی را که ممتاز بوده‌اند، نیز معرفی کرده‌اند. همان‌طور که پیامبر گرامی اسلام(ص) درباره جناب سلمان که هیچ رابطه فامیلی با حضرت ندارد، فرمودند: «سلمان از ماست و به او سلمان فارسی نگویید؛ بگویید سلمان محمدی.» از طرف دیگر، درباره ابولهب که عموی پیامبر است، در قرآن به صراحت اعلام شده است که او روی سعادت را نخواهد دید.

حجت‌الاسلام والمسلمین

مهدی عدالتیان:

ایشان تنها بانوی بزرگواری است که

زیارت‌نامه‌شان را یک معصوم یعنی

برادرشان امام رضا علیه‌السلام انشا کرده

است و این، نشان از عظمت جایگاه

حضرت معصومه سلام‌الله علیها

دارد

زیارت‌نامه او را امام رضا(ع) نگارش کرده‌اند

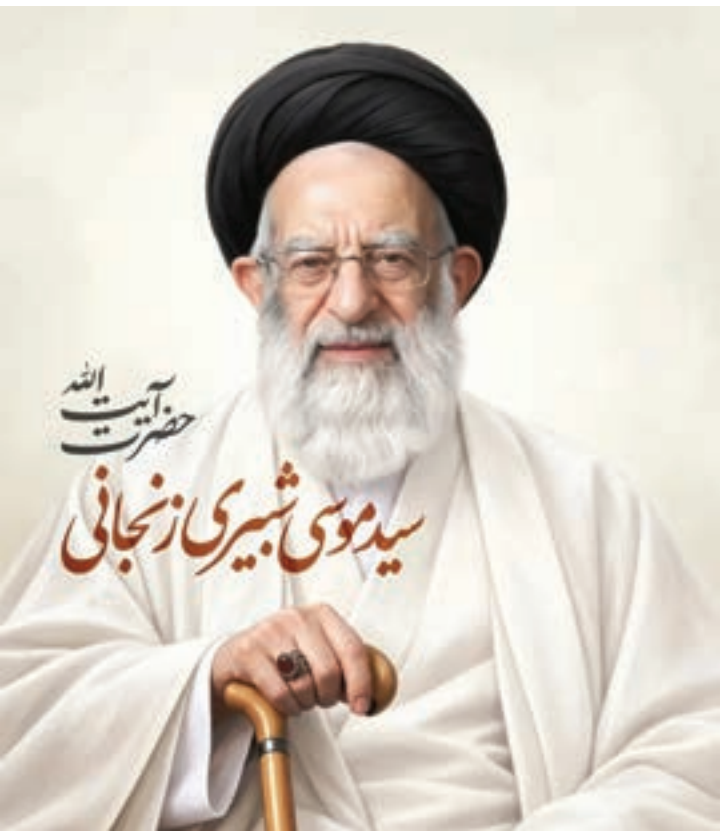
ویژگی دیگر حضرت معصومه(س) این است که بعد از حضرت فاطمه زهرا(س)، ایشان تنها بانوی بزرگواری است که زیارت‌نامه‌شان را یک معصوم یعنی برادرشان امام رضا(ع) انشا کرده است و این، نشان از عظمت جایگاه حضرت معصومه(س) دارد. امام رضا(ع) شخصاً به همه زائران فرمودند خواهرم را با بیان این عبارات، زیارت کنید. در قسمتی از آن زیارت می‌خوانیم: «سلام بر تو ای دختر رسول خدا(ص)، سلام بر تو ای دختر فاطمه(ع) و خدیجه(ع)، سلام بر تو ای دختر امیرمؤمنان(ع)، سلام بر تو ای دختر حسن(ع) و حسین(ع)، سلام بر تو ای دختر ولی خدا، سلام بر تو ای خواهر ولی خدا، سلام بر تو ای عمه ولی خدا!»

از او بخواهید شما را شفاعت کند

در روایات داریم که هر مؤمنی در قیامت، حق شفاعت دارد. جایگاه انبیا مشخص است و مقام شفاعت امامان(ع) و حضرت زهرا(س) نیز معلوم است. سایر مؤمنان هم هرکه براساس ایمان و عمل خود، توانایی شفاعت دارد و در این میان، جایگاه حضرت معصومه(س) از اینجا روشن می‌شود که در زیارت‌نامه ایشان، امام رضا(ع) به زائران حضرت آموختند که طلب شفاعت کنند و بگویند: «یا فاطمه اشقی لی فی الجَنَّةِ فَإِنَّ لَکِ عِنْدَ اللَّهِ شَأْنَ مِّنَ الشَّأْنِ». هرکه تا قیامت به زیارت حضرت برود، می‌تواند این زیارت‌نامه را بخواند، یعنی اعتبار حضرت معصومه(س) آن قدر زیاد است که می‌توانند همه را شفاعت کنند.

به مناسبت رحلت حضرت آیت‌الله‌العظمی سید موسی شبیری زنجانی(ره)

غروبِ فقیه ژرف‌نگر



بود. او همیشه تأکید داشت که دین نباید در حاشیه‌زندگی باشد، بلکه باید در متن آن جریان یابد. ایشان برای پاسداری شعار، مثال‌های عملی می‌آورد و معتقد بود حکومت‌ها باید برنامه‌ریزی کنند تا امکان عبودیت و بندگی برای مردم در همه‌حال مهیا باشد. در نگاه ایشان، «اخلاص» اکسیر اعظم

پیشرفت است. او معتقد بود آنچه حوزه‌های علمیه را در طوفان‌های سهمگین تاریخ سرپا نگه داشته، نه ابزارهای سیاسی، بلکه اخلاص پیشینیان است. این نگاه اخلاقی، در توصیه‌های ایشان به طلاب نیز موج می‌زد، آنجاکه می‌فرمود: رفتار طلبه باید معرف دین و مطابق بیانات اهل بیت(ع) باشد.

حسین ابراهیمی| «إِذَا مَاتَ الْعَالَمُ ثُلُمَ فِی الْإِسْلَامِ ثُلْمَةٌ لَا یَسُدُّهَا شَیْءٌ»

سخن از فقدان فقیه‌یی است که عمر شریف خود را در سلوکی عارفانه و مجاهدانه در جهت کشف و انتشار حقیقت دین سپری کرد. ارتحال مرجع عالی قدر، حضرت آیت‌الله العظمی سید موسی شبیری زنجانی (قدس سره)، فقط خاموشی یک چراغ در حوزه علمیه نیست، بلکه افول ستاره‌ای است که دهه‌ها در آسمان فقه، حدیث و رجال، راهبر جویندگان حقیقت بود. او از آن دست عالمانی بود که «دانش» را برای «صیانت از میراث وحی» می‌خواست و در این مسیر، همواره بر مدار دقت، حریت و زهد حرکت کرد.

میراث مکتوب: گنجینه‌ای از دقت و تفقّه

حجم آثار علمی به‌جامانده از این مرجع فرزانه، نشان دهنده عمق مطالعات و همت والای ایشان است. نگاه ایشان به «فقه»، نگاهی برخاسته از تتبع عمیق بود. آثار ماندگار ایشان به‌ویژه در ابواب فقهی همچون «تحریر الجواهر» (کتاب حج)، «تحریر فتاوی الجواهر»، «شرح بر حج عروة الوثقی»، نشان دهنده تبحر کم‌نظیر ایشان در استنباط و تدریس است، اما در کنار فقه، وجهه رجالی و حدیثی ایشان ممتاز بود. تعلیقات ارزشمند ایشان بر «جامع احادیث شیعه» و حاشیه‌های متنی و سندی که بر احادیث نوشته‌اند، گواهی است بر تلاش ایشان برای ساده و قابل فهم کردن روایات برای نسل‌های آینده. در کنار این‌ها، انتشار «توضیح المسائل» و برگزیده‌هایی از کتب فقهی، منظومه علمی ایشان را برای طلاب و مقلدان تکمیل کرده است.

رهنمودهایی برای زیست مؤمنانه

آنچه در نگاه این مرجع فقید برجسته بود، نه فقط فقه نظری، بلکه سبک زیستن مؤمنانه

او به طلاب گوشزد می‌کرد که هر طلبه‌ای اگر خوب عمل کند، به مکتب امام صادق(ع) خدمت کرده و اگر بد عمل کند، صدمه به این مکتب خورده است. او «تهذیب نفس» را مقدم بر هر هدایتی می‌دانست و همواره تأکید داشت که مشکل‌گشای حقیقی در همه نشأت، پیامبر(ص) و خاندان وحی هستند و باید پیوند مردم با این خاندان مهربان را محکم کرد.

باید نسل جدید به زندگی بزرگانی مثل مرحوم آیت‌الله زنجانی رحمه‌الله تعالی توجه کنند، همچنان‌که در بیانات خود ایشان است که فرمود: انسان به تفریح نیاز دارد و یکی از تفریحات سالم، مطالعه شرح حال علماست. زندگی بزرگان را مطالعه کنید، ببینید آنان چه کردند که به این مقامات رسیدند. مطالعه شرح حال علما در هدایت و تربیت انسان بسیار تأثیر دارد. می‌توان از ارواح این بزرگواران برای رسیدن به کمالات معنوی کمک گرفت. در انتخاب رفیق دقت کنید. مجالستان مجالس تقوی باشد و مواظب باشید در مجالس گناه و معصیت وارد نشوید.

پایان یک حضور، آغاز یک الگو

امروز که پیکر این عالم ربانی به خاک سپرده می‌شود، فقدانی در حوزه‌های علمیه حس می‌شود که به سادگی جبران پذیر نیست. فقدان او، ضایعه‌ای جان‌گداز است؛ اما حقیقت وجودی این فقیه، در میان کلمات کتاب‌هایش و در قلب شاگردانش زنده است. اواز میان ما رخت برپست، اما میراث او در «تحقیق عمیق»، «احتیاط در دین» و «مدارا با مردم» همچنان چراغ راه پویندگان علم و اخلاق خواهد بود. خدایش را و اراد را جوار اجداد طاهرینش جای دهد و به همه دوستدارانش، صبری جمیل و اجری جزیل عنایت فرماید. یادش در حافظه علمی این سرزمین، تا همیشه گرامی و مانا خواهد ماند.

شهریار

۳۳ شنبه
۳۳ شهریور ۱۴۰۵
۱۰ رجب‌الثانی ۱۴۲۶

۱۴



مهر

درنگ